



67

Vol. 18
Summer 2025
P.P: 39- 68

Research Paper

Received:
2024-06-03
Revised:
2025-04-03
Accepted:
2025-05-12
Published:
2025-05-12

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



The United States of America and the use of terrorism tools in the future competitions with China and Russia

Mohamad Mirabdoli ¹ | Abdolah Moradi ²

Abstract

States are known as the most important actors in international relations, but this doesn't mean that other actors do not play a role. Now, considering the decline of American hegemony on the one hand and the rise of revisionist and aligned countries such as China, Russia and Iran on the other hand, the current research tries to address the question of "How can the United States use terrorist groups to compete with China and Russia and maintain and enhance its hegemony?". The findings of the research show that the United States needs other strategies and solutions other than deterrence policy, UN sanctions, military and economic war with emerging powers in order to prevent other actors from balancing. One of them can be the use of the United States of terrorism tools, especially Takfiri groups, on two levels directly and in the direction of territorial threats, or on another level indirectly, that is, supporting terrorist groups in Areas where Russia and China have important interests are West Asia. In this research, the future research approach and the scenario writing method have been used.

Keywords: Takfiri terrorism, International system, American strategies, Security, Futures studies.

1. PhD student in Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.(Corresponding author)
<https://orcid.org/0009-0008-8003-4994>

mohamad_mirabdoli@yahoo.com

2. Assistant Professor of International Relations at National Defense University, Tehran, Iran.

Moradi.abdolah@gmail.com

DOR: 20.1001.1.25381857.1404.18.67.2.4

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

Authors





۶۷

سال ۱۸
تابستان ۱۴۰۴
صص: ۶۸-۳۹

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲

شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۵۲۵۰-۳۶۴۵



آمریکا و بهره‌گیری از ابزار تروریسم در رقابت‌های آینده با چین و روسیه

محمد میرعبدلی^۱ | عبدالله مرادی^۲

چکیده

سابقه گروه‌های تروریستی در رقابت دو ابرقدرت شوروی و آمریکا و پس از آن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا جنگ‌های اشغال عراق و افغانستان که منجر به ظهور داعش گردید، نشان از نقش مهم آن‌ها در نظام بین‌الملل دارد. اکنون با توجه به کاهش هژمونی آمریکا از یکسو و قدرت‌یابی کشورهای منتقد و هم‌سویی چون چین، روسیه و ایران، پژوهش حاضر به این سوال می‌پردازد که «آمریکا چگونه می‌تواند از گروه‌های تروریستی در رقابت با چین و روسیه و حفظ و ارتقای هژمونی خود بهره‌گیرد؟» یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد آمریکا جهت جلوگیری از موازنه‌گری دیگر بازیگران چندان نمی‌تواند از ابزارهای بازدارندگی، تحریم‌های سازمان ملل، جنگ نظامی و اقتصادی با قدرت‌های نوظهور بهره‌گیرد و لذا نیازمند راهبردها و راهکارهایی غیرمعارف است که یکی از آن‌ها می‌تواند بهره‌گیری از ابزار تروریسم به ویژه گروه‌های تکفیری در دو سطح به صورت مستقیم (در راستای تهدید سرزمینی) و غیر مستقیم یعنی حمایت از گروه‌های تروریستی در مناطقی که روسیه و چین در آن دارای منافع مهم هستند مانند غرب آسیا باشد که به طور مستقیم با امنیت ملی ایران ارتباط می‌یابد. در این پژوهش از رهیافت آینده‌پژوهی و روش سناریونویسی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: تروریسم تکفیری، نظام بین‌الملل، راهبردهای آمریکا، امنیت، آینده‌پژوهی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

<https://orcid.org/0009-0008-8003-4994>

E-mail: mohamad_mirabdoli@yahoo.com

E-mail: Moradi.abdollah@gmail.com

DOR: 20.1001.1.25381857.1404.18.67.2.4

۲. استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.



نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

ورود بازیگران غیر دولتی و تروریستی به نظام بین‌الملل بویژه بعد از پایان جنگ سرد، رویکرد دولت‌محور را تحت‌الشعاع قرار داده و باعث شده است دولت‌ها از این پدیده تأثیر پذیرفته و بر آن نیز تأثیر بگذارند. یکی از موارد مهمی که در مورد گروه‌های تروریستی وجود دارد، ارتباط آن‌ها با دولت‌های مختلف و استفاده ابزاری از آن‌ها می‌باشد که به طبع قدرت‌های بزرگ در سطوح جهانی و منطقه‌ای از توانایی بیشتری جهت هدایت و بهره‌گیری از گروه‌های تروریستی برخوردارند. به عبارت دیگر دولت به عنوان بازیگر اصلی نظام بین‌الملل با بسیاری از بازیگران غیر دولتی در عرصه داخلی و بین‌المللی تعامل دارد و برخی از این تعاملات خود را در حیطه منافع و مطالعات امنیتی قرار می‌دهد. بنابراین یکی از ابعاد این ماتریس تعامل، استفاده دولت از بازیگران غیر دولتی برای اهداف خود است (Kozera & Gürer, 2020: 12). یکی از مهم‌ترین جلوه‌های بهره‌گیری دولت‌ها از جریانات تروریستی، استفاده آمریکا و برخی از همپیمانان آن در خاورمیانه از گروه‌های تکفیری در دهه‌های اخیر بویژه در افغانستان، سوریه و عراق می‌باشد (Washington's blog, 2018: 104-119). علت گرایش آمریکا به در پیش گرفتن چنین سیاستی به رغم برخورداری از قوای نظامی عظیم، یکی از مسائل چالش‌برانگیز در حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای است. با توجه به عنصر رقابت میان کشورها در عرصه نظام بین‌الملل، اینگونه به نظر می‌رسد که رقابت میان آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و تلاش آمریکا جهت حفظ ابرقدرتی خویش، جلوگیری از ارتقای قدرت‌های بزرگ دیگر به عنوان رقیب، و جلوگیری از هم‌پیمان شدن قدرت‌های بزرگ علیه خود که در دیدگاه‌های رئالیستی قابل طرح می‌باشند (Buzan, 2021: 118-119) یکی از علل مهم و تأثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکا است. البته آمریکایی که به اذعان اندیشمندان خود آن دچار ضعف و زوال شده و از مشروعیت جهانی آن کاسته شده است (Brzezinski, 2013: 82-84). امری که باعث می‌شود آمریکا برخلاف دوران پساجنگ سرد بویژه بعد از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ که درصدد یکجانبه‌گرایی، مداخله‌گرایی نامحدود و رفتار استیلاجویانه در سطح بین‌المللی و اشاعه ارزش‌های خود از طریق به کارگیری قدرت نظامی در سراسر جهان بود (Sazmand, 2011: 186-189)، به

نوعی به استراتژی پیشین خود در دوران جنگ سرد یعنی بهره‌گیری از بازیگران نیابتی بازگردد. جنگ‌های نیابتی در جنگ سرد معمول شده بود. این نوع جنگ عمدتاً به دلیل هراس از کشمکش مستقیم آمریکا و شوروی و جلوگیری از جنگ هسته‌ای بود. این شرایط سبب شد جنگ‌های نیابتی به عنوان راهی ظاهراً ایمن‌تر در تداوم دشمنی‌ها به کار گرفته شوند (Abolhassan Shirazi, 2015: 81). این نوع جنگ، وضعیتی است که در آن قدرت‌های درگیر به جای اینکه به طور مستقیم وارد جنگ با یکدیگر شوند، با حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی از کشورها یا گروه‌های مسلح دیگری که با قدرت مقابل یا متحدان آن در جنگند، سعی در تضعیف آن قدرت یا فشار آوردن بر آن می‌نمایند (Rasouli Sani-Abadi & Roustaei, 2015: 35). این رویکرد به کار گرفته شده در سیاست خارجی آمریکا دهه‌ها است که مردمان و دولت‌های خاورمیانه را در آتش نزاع و جنگ قرار داده و موجب تباه شدن زندگی هزاران انسان بی‌گناه گشته است.

در همین راستا پژوهش حاضر درصدد می‌باشد با توجه به کاهش هژمونی آمریکا و قدرت‌یابی کشورهای منتقدی نظیر چین و روسیه در سطح جهانی و ایران در سطح منطقه‌ای که هم‌پیمانان راهبردی یکدیگر نیز محسوب می‌شوند، به بررسی این پرسش پردازد که آمریکا چگونه می‌تواند از گروه‌های تروریستی در رقابت با چین و روسیه و حفظ و ارتقای هژمونی خود بهره‌گیرد؟ لذا هدف اصلی پژوهش حاضر، شناخت و تبیین جایگاه گروه‌های تروریستی با تأکید بر گروه‌های سلفی-تکفیری در عرصه راهبردی ایالات متحده جهت مواجهه با نظم جدید در حال تکوین می‌باشد. در ذیل هدف اصلی، اهداف فرعی نیز مانند خطرات و چالش‌های گروه‌های تکفیری علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ واکاوی بسترهای لازم جهت تشکیل و رشد تروریسم تکفیری در محیط پیرامونی کشورهای طرفدار تغییر وضعیت موجود؛ و راهکارهای کشورهای در معرض تهدیدات گروه‌های تروریستی جهت مقابله با این کشورها دنبال خواهند شد.

مبانی نظری؛ تروریسم و نظام بین‌الملل و نقش آن در سیاست خارجی آمریکا

نظام بین‌الملل زمانی شکل می‌گیرد که دو یا بیش از دو دولت به کفایت با هم ارتباط داشته و به کفایت بر تصمیمات یکدیگر تأثیر بگذارند که آن‌ها را و می‌دارد حداقل تا حدی به عنوان

بخش‌هایی از یک کل عمل کنند (Bull, 2020: 65). سطح تحلیل کلان در مطالعه نظام بین‌الملل با نواقع گرایانی همچون «کنت والتز» و «رابرت گیلپین» توجه به این نکته می‌دهد که نظام بین‌الملل به طور بنیادی رفتار هر یک از بازیگران در عرصه سیاست بین‌الملل را تعیین می‌کند. لذا آنچه در وهله نخست مهم به نظر می‌رسد، کشف مجموعه‌ای از ویژگی‌های قانون‌مند نظام است که طی آن کلیه بازیگران می‌بایست آن را مورد توجه قرار دهند. گرچه هر یک از بازیگران سیاسی در صحنه سیاست بین‌الملل در شکل دادن به نظام بین‌الملل نقش اساسی دارند، متقابلاً کیفیت نظام بین‌المللی از نظر سلسله‌مراتبی بودن، همگن یا ناهمگن بودن بر مبنای نظام دوقطبی، تک‌قطبی و... تأثیر بسیار زیادی در جهت‌گیری سیاست خارجی آن‌ها دارد (Ghavam, 2015: 164-166). یکی از مهم‌ترین وجوه بررسی نظام بین‌الملل، پرداختن به مسئله ثبات و دگرگونی در آن می‌باشد. در این زمینه باید گفت که لیبرال‌ها دگرگونی در نظام بین‌الملل را ناشی از دو عامل خارجی یعنی تحول در فناوری و نیز تمایل بازیگران مختلف برای ورود به انواع جدیدی از روابط می‌دانند. واقع‌گرایان نیز اگرچه عمدتاً بر تداوم تأکید دارند تا تغییر و دگرگونی، اما در مجموع آنان نیز تغییرات را می‌پذیرند و عموماً بر روابط قدرت تأکید می‌کنند زیرا عامل تعیین‌کننده عملکرد نظام بین‌الملل، تابعی است از تعداد قطب‌های عمده قدرت (Ghavam, 2012: 82-88). پایان جنگ سرد که به معنای فروپاشی یک دوره دوقطبی جهانی بود، برخی را بر آن داشت تا آغاز یک دوره جدید نظام تک‌قطبی را ادعا کنند. در حالی که برخی دیگر که ظهور یک نظام چندقطبی را تشخیص می‌دادند، تصور می‌کردند که ساختار بین‌المللی جاری عمر کوتاهی خواهد داشت (Lake & Morgan, 2016: 171) به این دلیل که دیگران به آمریکا خواهند رسید یا شروع به ایجاد موازنه در برابر آن خواهند کرد و همچنین ممکن است آمریکا افول کرده یا از صحنه جهانی عقب‌نشینی کند. از جمله معتقدان به این دیدگاه می‌توان به «کراتهامر»، «لین»، «والتز»، «کگلی» و «ریموند»، «کوپچان» و «کالانو» اشاره کرد (Buzan & Waever, 2017: 42). با این وجود، آمریکا پس از فروپاشی نظام دوقطبی تلاش نمود در دهه ۱۹۹۰ با ارائه طرح‌هایی چون «نظریه نظم نوین جهانی» جایگاه رهبری جهانی برای ایالات متحده را تثبیت نماید (Gohari Moghadam, 2020: 208-209). به این ترتیب رهبران آمریکا، هژمونی را مطلوب‌ترین سازوکار سیاست خارجی خود معرفی نمودند. در واقع تغییر محیط بین‌المللی شرایطی را برای رهبران آمریکا ممکن ساخت که با در پیش گرفتن سیاست

یکجانبه‌گرایی و جنگ پیشدستانه بدون توجه به نهادهای بین‌المللی به جا مانده از دوران جنگ سرد و مخالفت‌ها و ملاحظات جهانی، به تغییرات ذهنی و مادی در مناطق مختلف جهان بویژه خاورمیانه پردازد. امری که مبتنی بر یک نگرش جهانی امپراتوری مبتنی بر هژمونی آمریکا است (Daheshiar, 2021: 175-179). حملات یازدهم سپتامبر سبب شد جرج بوش و تیم او حوادث آن را از منظر برتری‌جویی تفسیر نمایند. به عبارت دیگر برخی از اندیشمندان آمریکایی صرف مبارزه با گروه‌های تروریستی را کافی نمی‌دانستند بلکه آن را فرصتی بزرگ برای یک بازی بزرگ یعنی تقویت برتری جهانی آمریکا می‌دانستند که می‌توانست آمریکا را در ایجاد نظم جهانی و مرزهای عصر جدید یاری نماید (Callahan, 2021: 292-294). اما با مخالفت‌های کشورهای دائم عضو شورای امنیت و دیگر قدرت‌های بزرگ مانند آلمان با یکجانبه‌گرایی آمریکا در حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ به بهانه حمایت رژیم صدام از گروه‌های تروریستی و اشاعه تسلیحات کشتار جمعی، مشروعیت تصویر رهبری جهانی آمریکا مخدوش شد و نوعی موازنه‌گرایی نرم علیه آن شکل گرفت (Paul, 2019: 178-179). در ادامه عدم موفقیت ایالات متحده در دستیابی به اهداف خود در افغانستان و عراق و خروج نیروهای آمریکایی از این کشورها بیش از پیش از جایگاه هژمون‌گرای آمریکا کاست و باعث شکل‌گیری مباحث مربوط به تغییر و تحول در نظام بین‌الملل گردید.

از جمله نشانه‌های بروز تحول در ساختار تک‌قطبی، هژمون‌گرا و یک‌جانبه‌گرایی آمریکایی، می‌توان به دلارزدایی در روابط تجاری میان کشورها به ویژه قدرت‌های نوظهور، آغاز جنگ روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲، گسترش همکاری و همگرایی منطقه‌ای در میان برخی کشورها مانند «پیمان شانگهای» و «گروه بریکس» به رهبری روسیه و چین، راهکارهای خارج از بنیان‌های نظام آمریکا محور برای برقراری صلح و ثبات مانند برگزاری کنفرانس‌های صلح برای بحران سوریه و قره‌باغ به ابتکار روسیه بدون دعوت از آمریکا در زمینه دیپلماتیک و مداخله نظامی روسیه در سوریه که اولین مداخله نظامی بزرگ خارج از همسایگی خود از زمان شوروی بود (Lewis, 2022: 662) اشاره کرد. برخی متفکرین، ریشه چالش‌های پیش‌روی ایالات متحده در مورد اعمال رهبری بین‌المللی امروز و افول آن در نظام جهانی را بیشتر ناشی از مشکلات و سیاست داخلی این کشور می‌دانند (Trubowitz & Harris, 2019: 619-620). از سوی دیگر برخی اندیشمندان جهت

تبیین قدرت‌یابی فزاینده چین، علاوه بر مسائل مادی نظیر قدرت نظامی و اقتصادی، بر قدرت غیر مادی این کشور تأکید می‌کنند که در دوران «شی جین‌پینگ» اهمیت بیشتری یافته است. چین تحت رهبری شی «مأموریت اخلاقی برای بهبود جهان از طریق ایده‌ها، آرزوها و هنجارهایش» را بر عهده دارد. او به کارآمدی قدرت غیر مادی برای تقویت نفوذ بین‌المللی چین و تغییر شکل نظم جهانی معتقد می‌باشد. در همین راستا «ویلیام کالاهان» استدلال می‌کند که پکن در حال ترکیب ایده‌های جدید، سیاست‌های جدید، نهادهای جدید و پروژه‌های جدید برای ایجاد «جامعه‌ای از سرنوشت مشترک» است (Ho, 2020: 1465-1466).

پیشینه پژوهش

در مورد مرور ادبیات پژوهش باید گفت که عمده تحقیقات صورت گرفته در مورد ارتباط گروه‌های تروریستی بویژه گروه‌های تکفیری و قدرت‌های بزرگ، به بحث سیاست و رویکرد آمریکا در مقابل این گروه‌ها بویژه در منطقه غرب آسیا مربوط می‌شود که در همین زمینه می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره نمود:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	حمید خدرویی و همکاران در سال ۱۴۰۱	مقاله «جایگاه تروریسم در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»	نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ایران با توجه به رویه سیاست خارجی مستقل و مواجیه‌گرایانه با آمریکا همواره به عنوان مانعی در راستای سیاست‌های توسعه‌طلبانه این کشور و حامیان منطقه‌ای آن بوده لذا همواره ایران در راس تهدیدات امنیتی و منفعت‌طلبانه این قدرت‌ها بویژه به بهانه مبارزه با تروریسم قرار داشته است.
۲	حمیرا مشیرزاده و حسین رجایی در سال ۱۳۹۸	مقاله «مشروعیت‌بخشی به جنگ علیه تروریسم در گفتمان سیاست	نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مقامات آمریکایی بویژه بوش در چارچوب گفتمان‌های مسلط داخلی و بین‌المللی همچون استثنائگرایی و لیبرالیسم و با بهره‌برداری از خلأ معنایی ایجادشده در پی بحران یازدهم

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
		خارجی آمریکا»	سپتامبر، به بازنمایی جدیدی از هویت «خود» و «دیگری» پرداختند تا به سیاست و رویه‌های این کشور در جنگ علیه تروریسم مشروعیت بخشند.
۳	واحد امینی در سال ۱۳۹۰	مقاله «استراتژی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بر ضد تروریسم در خاورمیانه و تأثیر آن بر امنیت نظام بین الملل از ۲۰۱۲-۲۰۰۱»	نتایج تحقیق بیانگر آن هستند که جنگ پیش‌دستانه و سیاست یک‌جانبه‌گرایی نظامی آمریکا و استفاده ابزاری از چندجانبه‌گرایی در مبارزه با تروریسم، بی‌اعتمادی متقابل را در سطح روابط بین‌الملل به وجود آورده است که به نوبه خود هرگونه راه‌های همکاری‌جویانه در جهت مبارزه با این پدیده را مسدود نموده است. لذا با توجه به پیچیدگی‌های موجود در تروریسم جدید، راهبرد چندجانبه‌گرایی به رهبری سازمان ملل متحد بیشترین شانس موفقیت را در مبارزه با این پدیده جهانی دارد.
۴	نادر محمدی در سال ۱۳۹۷	مقاله «ائتلاف مثلث آمریکا، صهیونیسم و تروریسم تکفیری و ارتباط آن با طرح خاورمیانه بزرگ»	نتایج تحقیق نشان می‌دهند آمریکا و اسرائیل با تروریسم تکفیری نوظهور در خاورمیانه ائتلاف کرده‌اند تا بتوانند شرایط را برای بی‌ثباتی و تجزیه کشورهای منطقه فراهم نمایند که در این میان بی‌ثباتی و تجزیه کشورهای عضو جبهه مقاومت به عنوان یکی از مولفه‌های طرح خاورمیانه بزرگ در اولویت آنها قرار دارد.
۵	فربرز ارغوانی پیرسلام ی و مظفر حسنونند در سال ۱۳۹۹	مقاله «تروریسم و سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه»	نتایج پژوهش نشان می‌دهند که ۱۱ سپتامبر کلید مشروعیت‌بخشی خشونت و مداخله‌گرایی به شکل جنگ‌های پیش‌دستانه به بهانه مقابله با تروریسم بوده است و آمریکا به جای استراتژی مقابله، آن را فرصتی عاقلانه قلمداد کرده زیرا منجر به دفاع از دموکراسی و ارزش‌های لیبرالی از سوی آمریکا در کشورهای در حال گذار خاورمیانه، دستیابی به بازار نفت خاورمیانه و فروش تسلیحات شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۶	محمدحسین روحانی و همکاران در سال ۱۳۹۶	مقاله «روش‌های امریکا در راه‌اندازی، حمایت و هدایت تروریسم غرب آسیا و پیشنهاد‌های راهبردی مقابله با آن»	نتایج پژوهش حاکی از آن است که آمریکا در تشکیل تروریسم غرب آسیا در جهت تحقق اهداف خود به دنبال ایران‌هراسی، اسلام‌هراسی، و درگیر کردن مسلمانان کشورهای اسلامی با تشدید اختلافات قومی-مذهبی است.
۷	مجید عباسی و همکاران در سال ۱۳۹۸	مقاله «ژئوتروریسم و گفتمان ضد تروریسم ایالات متحده آمریکا در نظم هزاره جدید»	یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که آمریکایی‌ها در دوران پساجنگ سرد معتقد بودند که نباید فضای لازم برای ظهور تهدیدات بالقوه فراهم شود. به همین جهت «اسلام سیاسی» را به‌عنوان نماد تروریسم معرفی نمودند و در این راستا گفتمان‌سازی ژئوپلیتیکی آمریکا با فعال‌سازی استراتژی جنگ پیش‌دستانه برای تحقق منافع ژئوپلیتیک یعنی مداخله‌گرایی، مبارزه با تروریسم، یکجانبه‌گرایی و منازعه ایدئولوژیک اجرایی شد که می‌توان از آن با عنوان راهبرد ژئوتروریسم نام برد.
۸	محمدرضا تخشید و فاطمه جلائیان‌مهری در سال ۱۳۹۶	مقاله «سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و تروریسم در منطقه خاورمیانه پس از یازدهم سپتامبر (مطالعه موردی: عراق)»	یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا بواسطه اعمال نظامی‌گری غیرضروری، بهانه‌ها و توجیهاتی جدید برای فعالیت گروه‌های تروریستی فراهم آورده و موجب تقویت آنها در منطقه شده است.

وجه تمایز این آثار با پژوهش حاضر در آن است که تحقیقات مذکور عمدتاً جایگاه تروریسم بویژه نوع تکفیری آن در سیاست خارجی آمریکا در قالب منطقه غرب آسیا را به روش توصیفی-تحلیلی بررسی نموده‌اند اما این پژوهش درصدد است با رویکردی آینده‌پژوهانه و مبتنی بر روش سناریونویسی، جایگاه تروریسم در آینده نظم جهانی که عبور از نظام تک‌قطبی، یکجانبه‌گرایی و هژمونی طلبانه آمریکا و ظهور بازیگران توازن‌بخش دیگری چون چین و روسیه را نوید می‌دهد، واکاوی نموده و امکان شکل‌گیری و رشد تروریسم تکفیری را نه منحصرأ در منطقه غرب آسیا بلکه در دیگر مناطق استراتژیک نیز مانند محیط پیرامونی روسیه و چین بررسی نماید.

روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق بر اساس هدف، کاربردی و توسعه‌ای، و بر اساس ماهیت، آینده‌پژوهانه و مبتنی بر روش سناریونویسی است. روش جمع‌آوری مطالب و داده‌ها نیز به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد.

آینده‌پژوهی یک دانش-فناوری نوپدید می‌باشد که از عمر آن بیش از چند دهه نمی‌گذرد. در مقام یک دانش یا معرفت، هدف این رشته شناخت آینده است (Paya et al., 2015: 17). «ادوارد کورنیش» بنیان‌گذار و رهبر انجمن آینده جهان معتقد است: «مهم‌ترین هدف از آینده‌شناسی را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: درک کنیم که با تداوم روندهای امروز، در آینده چه روی خواهد داد و تصمیم بگیریم که آیا چنین آینده‌ای برای ما مطلوب می‌باشد یا خیر؟ و اگر نیست بکوشیم آن را تغییر دهیم» (Fateh-Rad, Jalilvand, and Nasrollahi-Vosta, 2013: 34). در رهیافت آینده‌پژوهی از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود که در این پژوهش از روش‌های «تحلیل روند» و «سناریونویسی» بهره گرفته می‌شود.

تحلیل روند، یک روش پایه در آینده‌پژوهی می‌باشد؛ زیرا هر روشی در آینده‌پژوهی با یک روالی نیازمند روندپژوهی است. روندپژوهی، روالی منطقی است که نه تنها به آینده می‌اندیشد بلکه گذشته را ارزیابی و حال را مورد تأمل قرار می‌دهد. از مهم‌ترین مزایای روندپژوهی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: مبتنی بر داده و واقعیت می‌باشد؛ روند را در گذشته و حال نشان می‌دهد؛ تحولات آینده را تصویر می‌کند؛ سناریوهای آینده را برای مطالعات امنیتی مشخص

می‌کند (Gharayagh-Zandi, 2018: 45-47). سناریوها نیز مجموعه‌ای از راه‌های بدیل سازمان‌یافته هستند که به کمک آن‌ها افراد، آینده خود را به شیوه‌ای موثر محقق می‌سازند. هدف سناریوها، تغییر تفکر حاکم و جاری یا بازاندیشی در آن، بهبود تصمیم‌سازی، افزایش یادگیری فردی و سازمانی، و افزایش عملکرد است (Khazaei & Hosseini-Golkar, 2015: 330). سناریو ابزاری برای تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدات، فرصت‌ها، نیازها و ارزش‌های برتر آینده می‌باشد. به طور کلی سناریوها تصاویر آینده‌هایی ممکن هستند که ترتیب منطقی رویدادها را نشان می‌دهند (Mafi, 2011: 112).

یافته‌های پژوهش

۱. سناریوهای مواجهه آمریکا با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی

قدرت‌گیری و ظهور چین، روسیه، و کشورهای شرق آسیا و چالش‌هایی که برخی از آنان برای آمریکا ایجاد کرده‌اند، بیان‌گر آن می‌باشد که قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی وارد رقابت با ایالات متحده شده‌اند (Lael Alizadeh, 2018: 219). اما یکی از پرسش‌های مهمی که در مورد آینده نظام بین‌الملل می‌بایست مطرح نظر قرار گیرد، بررسی چگونگی و نحوه مواجهه ایالات متحده با موازنه‌گران جدید (چه در عرصه جهانی و چه در عرصه منطقه‌ای) می‌باشد. اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل، چین را مهم‌ترین گزینه‌ای می‌دانند که می‌تواند قدرت آمریکا را به چالش بکشد و به همین جهت دوره‌های زمانی جهت خیزش چین را معطوف به دو دهه آینده دانسته‌اند. در همین راستا دفتر مدیر اطلاعات ملی آمریکا^۱ در آوریل ۲۰۲۱ گزارشی تحت عنوان «روندهای جهانی ۲۰۴۰: جهانی با رقابت بیشتر» منتشر نمود و پیش‌بینی کرد که چین تا سال ۲۰۴۰ بزرگ‌ترین اقتصاد جهان خواهد بود و در راس قدرت‌های برتر اقتصادی جهان خواهد ایستاد و سهم خود را از تولید ناخالص داخلی جهان از ۱۷/۹ درصد در سال ۲۰۲۰ به ۲۲/۸ درصد در سال ۲۰۴۰ افزایش خواهد داد. از طرف دیگر طی همین مدت سهم ایالات متحده از اقتصاد جهانی کاهش یافته و از ۲۴ درصد کنونی به ۲۰/۸ درصد در سال ۲۰۴۰ خواهد رسید.^۲ به علاوه شی‌جین

1. The Office of the Director of National Intelligence (ODNI)

2. <https://www.newsweek.com/china-surpass-us-economy-reclaim-global-power-role-2040-1582511>.

پینگ، رئیس جمهور چین در جریان کنگره ملی پنج سالانه حزب حاکم کمونیست در سال ۲۰۱۷ اعلام کرد «زمان آن فرا رسیده است که چین به یک نیروی مقتدر تبدیل شود تا بتواند جهان را در مسائل سیاسی، اقتصادی، نظامی و محیط زیست رهبری کند. او همچنین بیان کرد طرح تبدیل چین به یک «رهبر جهانی» و «بزرگترین ابرقدرت جهان» تا سال ۲۰۵۰ تهیه شده است.^۱ دوره‌ای که مصادف با یکصدمین سالگرد تأسیس نظام سیاسی کمونیستی چین خواهد بود. به این ترتیب سناریوهای مطروحه در این پژوهش، معطوف به تحدید زمانی دهه ۲۰۴۰ خواهد بود. در رابطه با واکنش آمریکا، عمدتاً دو نظریه و سناریوی بدبینانه و خوش‌بینانه مطرح شده است:

۱-۱. سناریوی نخست؛ همزیستی قدرت‌های بزرگ

برخی از متفکرین ظهور چین را تهدیدآمیز نمی‌دانند زیرا معتقدند نه تنها چین و آمریکا پیوندهای وابستگی متقابل اقتصادی دارند، بلکه با پیش رفتن قرن ۲۱ این دو قدرت امکان دارد شکل جدیدی از نظم دوقطبی ایجاد کنند که به سطوح بالاتر امنیت و ثبات بیانجامد. علاوه بر این پذیرش مسئولیت‌های بیشتر جهانی چین به نفع آمریکا است چون هم بار مسئولیت‌های آمریکا را کاهش می‌دهد و هم چین را به دنباله‌روی از آمریکا ترغیب می‌کند نه موازنه در برابر آن. چنین دیدگاه‌های تقریباً مشابهی نیز در مورد احیای قدرت روسیه و بروز تنش در عرصه جهانی با آمریکا وجود دارد (Heywood, 2019: 216). این دیدگاه معتقد است که آمریکا می‌بایست کشورهایی مانند چین را به ترتیبات اقتصادی و امنیتی بکشانند؛ امری که با موافقت آمریکا با عضویت چین در سازمان تجارت جهانی شروع شد و مرحله بعدی می‌بایست به عضویت در آوردن چین در یک سازمان امنیتی باشد زیرا صلح بدون توافقات امنیتی حتی میان شرکای تجاری ضعیف و شکننده خواهد بود (Javadi Arjomand, 2021: 70-71). این سناریو را می‌توان در واقع نوعی پذیرش بازیگران جدید از سوی آمریکا دانست. اما تجربه سیاست خارجی ترامپ که ارزش چندانی برای تعهدات بین‌المللی آمریکا قائل نبوده و به جای آن بر ایده «نخست آمریکا» تأکید می‌کرد (Yousefi-Rad et al., 2021: 380) به علاوه بررسی اقدامات آمریکا در طول دوران بعد از جنگ سرد به ویژه یک دهه اخیر از جمله پیمان‌های نظامی، صدور تسلیحات، تحریم‌های متنوع اقتصادی و حقوق بشری علیه برخی

۱. <https://www.magiran.com/article/3649536>

کشورها با هدف کنترل و تضعیف آن‌ها در عرصه‌های مختلف، می‌توان به این نکته دست یافت که این کشور حاضر نیست به راحتی ظهور رقبا را بپذیرد و همین امر ضرورت پرداختن به سناریو دیگری را ایجاد می‌کند.

۱-۲. سناریوی دوم؛ تخاصم میان قدرت‌های بزرگ

اندیشمندان بدین به تغییر روابط قدرت آمریکا و چین، معتقدند در شرایطی که هژمون‌های نوظهور، دیر یا زود درصدد کسب سطحی از قدرت سیاسی-نظامی برمی‌آیند که متناسب با سیطره اقتصادی‌شان باشد، کمتر محتمل است که هژمون‌های قدیم به راحتی با افول جایگاه‌شان کنار آیند. به علاوه شماری از منابع بالقوه مناقشه بین چین و آمریکا وجود دارند به عنوان مثال تفاوت‌های فرهنگی آمریکای لیبرال دموکراتیک با چین کنفوسیوسی می‌تواند زمینه‌ای برای رشد دشمنی ایجاد کند. به علاوه مناقشه چین و آمریکا می‌تواند از دل شکاف‌های از پیش موجود در خصوص مسائلی نظیر تایوان، تبت، حقوق بشر و نیز رشد رقابت بر سر منابع در آفریقا و خاورمیانه و دیگر نقاط سر برآورد (Heywood, 2019: 215). مقامات چینی نیز معتقدند نظم جهانی ناعادلانه می‌باشد زیرا مبتنی بر اصول صلح آمریکایی بوده که به دنبال حفظ سلطه غرب و پایین نگه داشتن چین و سایر کشورهای کمتر توسعه یافته است و این امری غیر معقول می‌باشد زیرا هدف آن تحمیل ارزش‌ها و نهادهای غربی بر کشورهایی است که برای آن‌ها مناسب نیستند (Owen, 2021: 1427).

از حدود سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۲، آمریکا و کشورهای حوزه آسیا-اقیانوسیه در برابر چین به اقدامات دیپلماتیک و موازنه نرم متوسل شدند اما در سال ۲۰۱۲ اواما از طریق یک چرخش راهبردی به سمت شرق آسیا، به برقراری موازنه سخت مانند افزایش نیروی نظامی در شرق آسیا و همکاری با کشورهای عضو آ.سه. آن و هند دست زد (Paul, 2019: 188-204). سند استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۲۲ نیز به وضوح به خطر روسیه و چین برای آمریکا اشاره می‌کند: «مهم‌ترین چالش استراتژیک پیش‌روی چشم‌انداز ما، از سوی قدرت‌هایی می‌باشد که حکومت

استبدادی^۱ به همراه سیاست خارجی تجدیدنظرطلبانه دارند. این رفتار آن‌ها است که صلح و ثبات بین‌المللی را به چالش می‌کشد به ویژه از طریق صدور یک مدل غیر لیبرال بین‌المللی. هرچند روسیه تهدیدی فوری برای نظام بین‌الملل آزاد به شمار می‌رود و قوانین نظم بین‌المللی را زیر پا می‌گذارد، همان‌طور که جنگ این کشور علیه اوکراین نشان می‌دهد^۲؛ در مقابل، چین تنها رقیبی است که هم قصد دارد نظم بین‌المللی را تغییر دهد و هم قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و تکنولوژیکی برای پیشبرد این هدف را دارد» (National Security Strategy, 2022: 8). برخی مانند «استفان والت» نیز معتقدند که با نگاهی به آینده، به راحتی می‌توان نظم جهانی‌ای را مشاهده کرد که شبیه به اوایل جنگ سرد می‌باشد. لذا اگر تاریخ راهنمای ما باشد آمریکا به احتمال زیاد نسبت به چالش احتمالی چین بیش از حد واکنش نشان خواهد داد و اشتیاق هر دو حزب آمریکا برای رویارویی با چین به این روند دامن خواهد زد (Walt, 2023). مرشایمر نیز معتقد است که آمریکا استراتژی مهار مشابهی مانند آنچه در مقابل شوروی داشت، در برابر تهدیدات چین اتخاذ خواهد کرد (Esmaili, 2023: 23). چنین اقدامات و موضع‌گیری‌هایی از سوی آمریکا در مقابل چین و روسیه نشان از عدم تمایل آمریکا به پذیرش قدرت‌های جدید در عرصه بین‌الملل دارد.

۲. راهبردهای متعارف آمریکا جهت حفظ و ارتقای هژمونی خود

منظور از راهبردهای متعارف، اقداماتی می‌باشد که در طی روند دهه‌ها و سده‌های گذشته از سوی کنش‌گران اصلی بین‌الملل اعم از قدرت‌های بزرگ و کوچک در مواجهه با عواملی که آنان را تهدید می‌انگارند اتخاذ می‌شده است.

۲-۱. متوسل شدن به اقدامات نظامی و جنگ

به نظر می‌رسد توسل به جنگ از سوی آمریکا علیه موازنه‌گرانی چون چین و روسیه از احتمال اندکی برخوردار باشد زیرا از یکسو فارغ از توانایی‌های متعارف نظامی هر سه کشور، این کشورها

۱. استفاده مقامات آمریکایی از واژه‌هایی چون استبدادی، ناقض حقوق بشر و حامی تروریسم برای کشورهای رقیب، اقدامی در جهت جنگ نرم و جنگ روانی علیه آنهاست تا مشروعیت بین‌المللی آنها را مخدوش سازد.
۲. برخلاف روایت غرب از موضوع بحران اوکراین، باید به این نکته توجه داشت که اقدام روسیه در تقابل با اوکراین را می‌بایست عمدتاً در نگرانی روسیه از خطر گسترش ناتو به شرق و مسلح‌ساختن اوکراین جستجو کرد که امنیت ملی روسیه را با تهدید مواجه کرده بود (Kalantari & Mohammadi-Monfared, 2023: 188-189).

دارای تعداد زیادی سلاح‌های کشتار جمعی از جمله بمب اتم می‌باشند که بازدارندگی نسبتاً مطمئنی را در قبال حمله و تهاجم دیگر کشورها علیه آن‌ها ایجاد می‌کند و به علاوه هر سه کشور از توانایی پاسخ اول و دوم در صورت حمله اتمی نیز برخوردار می‌باشند. در واقع بازدارندگی همین رابطه میان این قدرت‌ها است که ایجاد آن ارتباط زیادی توان و قدرت راهبردی طرفین خواهد داشت (Ghasemi, 2013: 441). لذا اگرچه برخلاف جنگ سرد که کشورهای غربی حداقل به طور ضمنی به حوزه نفوذ شوروی در اروپای شرقی اذعان داشتند، امروزه آن‌ها ناتو را به «خارج نزدیک» روسیه گسترش داده و هرگز حوزه نفوذ چین را نیز به رسمیت نشناخته‌اند و چندین جنگ طولانی در نزدیکی چین (کره، ویتنام و افغانستان) به راه انداخته‌اند؛ و به علاوه از جنبش‌های جدایی طلب و «انقلاب‌های رنگی» مختلف برای سرنگونی دولت‌های نزدیک به روسیه و چین، حمایت کرده‌اند (Chan, 2021: 1342) و بنابراین سطح مناقشات بالا رفته است، اما چنین اقداماتی احتمالاً در سایه چتر تسلیحات هسته‌ای به وقوع و بروز جنگ کلاسیک نظامی میان آمریکا-چین-روسیه نخواهد انجامید (Mumford, 2013: 44). در واقع همان‌طور که والتز نیز اشاره می‌کند اگرچه در قرون هجدهم و نوزدهم جنگ قابل تحمل بود زیرا محدود بود و تأثیر تخریبی آن فراوان نبود اما در عصر هسته‌ای، هزینه جنگ بسیار بالاست (Waltz, 2013: 316). البته این امر به معنای دست کشیدن کشورهای مذکور از موازنه گری سخت و تقویت بازدارندگی خود نیست.

۲-۲. بهره‌گیری از سازوکارهای سازمان ملل و شورای امنیت

یکی از راهبردهایی که آمریکا در مقابل دیگر کشورها از طریق شورای امنیت به کار گرفته، تلاش برای قرار دادن برخی کشورها ذیل فصل هفتم منشور و ماده ۴۲ آن جهت مشروعیت بخشی به حمله نظامی علیه آن کشورها بوده است اما نوع رأی‌گیری در شورای امنیت موجب شده که هرگز نتوان علیه اعضای دائم شورای امنیت و متحدان آن‌ها اقدامات تنبیهی اعمال کرد. در واقع این حاصل حق وتویی می‌باشد که منشور به اعضای دائم شورا و عملاً به قدرت‌های بزرگ اعطا کرده تا از هرگونه اقدام اجبارکننده علیه خود در امان باشند (Moussazadeh, 2011: 128-129). نمونه‌های این امر را حداقل در قرن بیست و یکم می‌توان در مورد عدم تصویب قطعنامه تنبیهی کارآمد علیه تهاجم آمریکا به افغانستان و عراق در اوایل هزاره جدید و نیز حمله روسیه به

اوکراین در دو مقطع ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ به سبب برخورداری این کشورها از حق وتو مشاهده نمود. لذا می‌توان گفت که آمریکا چندان نمی‌تواند روسیه و چین را از طریق قطعنامه‌های شورای امنیت تحت فشار قرار دهد.

۲-۳. در پیش گرفتن تحریم اقتصادی و جنگ تجاری

برخی از صاحب‌نظران معتقدند رقابت تعیین‌کننده و حیاتی بین چین و آمریکا، به احتمال زیاد نه در قلمرو نظامی، بلکه در پهنه اقتصادی و اجتماعی رخ خواهد داد (Kissinger, 2012: 694). تحلیل‌گران تخمین می‌زنند که با نرخ‌های رشد فعلی، اندازه اسمی اقتصاد چین در فاصله زمانی بین ۲۰۲۸ تا ۲۰۳۰ بزرگتر از اقتصاد ایالات متحده خواهد بود (Stein, 2022: 1623). به همین جهت آمریکا از سال ۱۹۹۱ تحقیقاتی علیه چین در حوزه مربوط به رویکردهای غیر منصفانه تجاری آغاز کرد (Ghorbani, 2020: 136-141). در دسامبر ۲۰۱۷ و با آغاز ریاست جمهوری «دونالد ترامپ»، یک استراتژی امنیت ملی جدید دنبال شد که چین را به عنوان یک قدرت «تجدید نظر طلب» و رقیب استراتژیک که به دنبال به چالش کشیدن نفوذ، ارزش‌ها و ثروت آمریکا است برچسب‌گذاری می‌کرد (Yang, 2020: 425). «جو بایدن» نیز اعمال تعرفه‌های میلیارد دلاری بر واردات چینی دولت ترامپ را حفظ کرد. اما بر اساس برخی گزارش‌ها از جمله گزارش اندیشکده آمریکایی شورای روابط خارجی، این تعرفه‌های اعمال شده نه تنها به اهداف خود دست نیافتند بلکه به کسب‌وکارها و مصرف‌کنندگان آمریکایی نیز آسیب رساندند (Manak, Cabanas and Feinberg, 2023). امروزه ایالات متحده با چین حدود نیم تریلیون دلار تجارت دارد لذا برخی معتقدند چین را نمی‌توان مانند اقتصاد نسبتاً ضعیف شوروی مهار کرد (Nye, 2022: 1640).

در رابطه با روسیه نیز باید گفت که تلاش‌های روسیه برای تغییر تدریجی وضع موجود و ارتقای جایگاه خود در نظام بین‌الملل، احساس تهدید آمریکا برای موقعیت برتر خود را در پی داشت. با شروع تحریم‌ها در سال ۲۰۱۴، روابط اقتصادی میان روسیه و اتحادیه اروپا، جریان سرمایه‌گذاری خارجی از اروپا و نیز ارزش روبل واحد پول روسیه بسیار کاهش یافت و حتی به اخراج روسیه از «گروه ۸» منجر شد. علی‌رغم این فشارهای اقتصادی، به تدریج و از سال ۲۰۱۶ اقتصاد روسیه تا حدی تثبیت شده و خروج سرمایه‌آمار کاهشی را نشان می‌داد (Aghaei & Etesami, 2022: 10-13). با شروع مجدد جنگ روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲، موج جدیدی از

تحریم‌های اقتصادی البته با شدت بیشتر علیه روسیه از سوی کشورهای غربی اعمال گردید (Samiei Esfahani & Farahmand, 2022: 97). علی‌رغم این حجم از تحریم‌ها، تولید ناخالص داخلی روسیه در سال ۲۰۲۲ تنها ۶ درصد کاهش یافت و اقتصاد آن ۲/۱ درصد کوچک شد. متقابلاً باید روند مقابله با تحریم‌ها از طریق دلارزدایی در روابط تجاری قدرت‌های نوظهور را نیز در نظر گرفت. «سیسیلیا النا روس»^۱، رئیس شورای مشاوران اقتصادی دولت بایدن، در آوریل ۲۰۲۳ بیان می‌کند که ایالات متحده از زمانی دست به تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه چین و روسیه زد، روند کاهش ارزش دلار در عرصه بین‌الملل را شتاب بخشید (Mirhosseini, 2023/05/01). «ژانت یلن»^۲، وزیر امور خزانه‌داری آمریکا نیز در آوریل ۲۰۲۳ اعلام کرد تحریم‌های موجود علیه روسیه و سایر کشورها، سلطه آمریکا را در معرض خطر قرار داده است زیرا کشورها در جست‌وجوی راه‌هایی جایگزین در برابر نظام مالی آمریکا هستند (Tasnim News, Agency 2023/06/13).

۳. تروریسم افراطی: راهبردهای غیر متعارف آمریکا جهت حفظ و ارتقای

هژمونی خود

با توجه به عملکرد و کارایی نه چندان موثر راهبردهای متعارف، آمریکا می‌تواند از راهبردهای جایگزین دیگری استفاده نماید. در واقع با وجود سلاح‌های هسته‌ای و وابستگی متقابل اقتصادی جهانی، منطقی است که قدرت‌های بزرگ ترجیح می‌دهند رقابت خود را از طریق نیابت‌های مختلف و در سرزمین‌های دیگر انجام دهند تا درگیری مستقیم نظامی (Isoda, 2022: 2). در این زمینه یکی از راهبردها می‌تواند استفاده از ابزار تروریسم به ویژه از نوع تکفیری آن باشد. علاوه بر عوامل بستر ساز و تشدید کننده جهت بررسی بروز تروریسم (مانند نارضایتی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و...)، می‌بایست به عامل دیگری تحت عنوان «سازمان‌دهنده» نیز توجه نمود که منظور از آن منافع ژئوپلیتیک قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به عنوان شرط کافی برای شکل‌گیری گروه‌های تروریستی می‌باشد. همان‌طور که مقامات آمریکایی نیز اذعان دارند، بدون حامیان دولتی، گروه‌های تروریستی برای به دست آوردن بودجه، سلاح، مواد و مناطق امن مورد

1 . Cecilia Elena Rouse

2 . Janet Yellen

نیاز برای برنامه‌ریزی و اجرای عملیات، زمان بسیار دشوارتری خواهند داشت (United States Department of State, 2004: 86). بر این اساس دو نوع رویکرد در جهت استفاده از تروریسم جهت دستیابی به اهداف مورد استفاده بازیگران به ویژه قدرت‌های بزرگ قرار می‌گیرد: نخست وجه سلبی که این رویکرد عمدتاً از طریق حامی تروریسم نامیدن بازیگران مخالف جهت اعمال فشار بر آن‌ها صورت می‌گیرد؛ و دوم وجه ایجابی که عمدتاً از طریق حمایت‌های پنهان مادی (نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، لجستیکی و...) انجام می‌پذیرد.

۳-۱. وجه سلبی

وقوع حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و ارائه دکترین جنگ با تروریسم، به آمریکا این فرصت را داد که برای دستیابی به اهداف خود اولاً برخی از کشورها را مانند افغانستان و عراق مورد حمله نظامی قرار دهد، ثانیاً برخی از کشورها مانند: کره شمالی، ایران و سوریه را تحت تحریم‌های شدیدتری قرار دهد و ثالثاً برخی دیگر از کشورها مانند لیبی را با ارباب و انذار از تکرار سرنوشت افغانستان و عراق برای آن‌ها، به همراهی با خود در زمینه خلع سلاح وادار نمود.

چنین رویکردی آمریکا را ترغیب کرده روسیه را نیز به واسطه اقداماتش در چچن، گرجستان، سوریه و اوکراین در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار دهد.^۱ رسانه‌ها و اشخاص آمریکایی معتقدند روسیه به دلایل ذیل حامی تروریسم است: ۱. اقدامات روسیه نظیر هدف قرار دادن «الکساندر لیتویننکو»^۲ و «سرگئی اسکریپال»^۳ در انگلستان و پناه دادن مسکو به گروه‌های تروریستی مانند «جنبش امپراتوری روسیه» که در اوکراین می‌جنگد؛^۴ اضافه کردن نام روسیه به فهرست حامیان تروریسم، به منزله هشدار برای دیگر کشورها خواهد بود که از تروریسم حمایت می‌کنند (Blazakis, 2022). در همین راستا نیز برخی از نمایندگان کنگره آمریکا طرح‌هایی را جهت فشار بر وزارت خارجه این کشور جهت معرفی روسیه به عنوان دولت حامی تروریسم طی سال‌های ۲۰۲۲^۵ الی ۲۰۲۳^۶ ارائه نموده‌اند. «ند پرایس» سخنگوی وزارت امور

1 . <https://agenda.ge/en/news/2022/2884>

2 . Alexander Litvinenko

3 . Sergei Skripal

4 . <https://www.congress.gov/bill/117th-congress/house-resolution/1113/related-bills>.

5 . <https://www.congress.gov/bill/118th-congress/house-bill/3979>.

6 . Ned Price

خارج آمریکا نیز بیان داشته که «تحریم‌هایی که ما اعمال کرده‌ایم و انجام داده‌ایم، همان اقداماتی است که با تعیین دولت حامی تروریسم انجام می‌شود»^۱. به طور کلی می‌توان گفت اگرچه روس‌ها به ویژه پوتین به نسل‌کشی و جنایات جنگی در اوکراین متهم شده‌اند، اما اگر آمریکا به طور رسمی روسیه را به عنوان یک دولت حامی تروریسم معرفی کند، ارزش اصلی آن می‌تواند استفاده از این برچسب به عنوان ابزار چانه‌زنی در مذاکرات احتمالی باشد (Wilkie, 2022).

برچسب دولت حامی تروریسم می‌تواند علیه چین نیز از سوی آمریکا به دلایل ذیل به کار گرفته شود: ۱. اقدامات نظامیان دریایی چین و حتی گارد ساحلی آن علیه کشتی‌ها و هواپیماهای نظامی آمریکا در دریاهای شرقی و جنوبی چین؛ ۲. عدم ممانعت پکن از صادرات مواد مخدر چینی به آمریکا؛ ۳. روابط نزدیک چین با کشورهایی که توسط آمریکا به عنوان دولت‌های حامی تروریسم شناخته شده‌اند مانند کره شمالی، ایران، سوریه، سودان (Corr, 2018). ۴. سرکوب ایغورهای منطقه سین‌کیانگ توسط پکن. دولت آمریکا در سال ۲۰۲۱ اعلام کرد که مقامات چینی در سین‌کیانگ مرتکب نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت شده‌اند (Bureau of Counterterrorism, 2021: 61). اتهامی که همچون مورد روسیه می‌تواند به فراهم شدن زمینه برای گنجاندن چین ذیل فهرست کشورهای حامی تروریسم از سوی آمریکا با هدف چانه‌زنی منجر شود.

۳-۲. وجه ایجابی

با عدم اثرگذاری کافی وجه سلبی تروریسم برای ایالات متحده، این کشور می‌تواند جهت جلوگیری از رشد و موازنه‌گرایی کشورهای رقیب، از دیگر راهکارهای مبتنی بر تروریسم نیز بهره گیرد که شامل دو حوزه خواهد شد: نخست تقویت و حمایت از گروه‌های تروریستی در داخل و خارج نزدیک کشورهای چین و روسیه (رویکرد مستقیم)؛ و دوم تقویت و حمایت از تروریسم در مناطقی که چین روسیه دارای منافع و دولت‌های هم‌پیمان می‌باشند (رویکرد غیر مستقیم). در واقع آمریکا به دنبال آن است تا با دشمنان خود به گونه‌ای مقابله کند که خارج از «رادار عمومی» و همچنین «مقرون به صرفه باشد» (Pfaff, 2017: 305-306). لذا آمریکا تلاش می‌کند از یکسو با حمایت از گروه‌های تروریستی-تکفیری در محیط امنیتی کشورهای چین و روسیه، آن‌ها را با چالش‌ها و مخاطرات امنیتی مواجه کند و از دستیابی آنان به جایگاهی والاتر در نظام بین‌الملل

¹ . <https://tlblog.org/russia-should-not-be-designated-a-state-sponsor-of-terrorism/> July 11, 2022

جلوگیری کند و از سوی دیگر با حمایت پنهانی از گروه‌های تروریستی مانع از واکنش روسیه و چین علیه ایالات متحده و مشروعیت‌زدایی از این کشور گردد؛ زیرا ابهام در مورد نقش یا مقصر بودن دولت در اقدامات نیابتی‌هایش می‌تواند دولت را در برابر پیامدهای بین‌المللی و داخلی محافظت کند (RAND, 2023: 5). به این ترتیب به نظر می‌رسد علاوه بر آن که نیروهای نیابتی مناسب‌ترین، ارزان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین اقدام برای درگیر شدن برخی کشورها به شمار می‌رود، می‌توان هرگونه ارتباط یا دخالتی را در نبرد میان نیروهای نیابتی و کشور هدف انکار کرد (Ivanov, 2020: 43).

مهم‌ترین جلوه حمایت آمریکا از تروریسم تکفیری در مقابل قدرت‌های بزرگ را می‌توان در دوران جنگ سرد مشاهده کرد. پس از اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی در سال ۱۹۷۹، آمریکا با همکاری برخی از کشورهای منطقه از جمله پاکستان و عربستان، جهت از بین بردن تهدید شوروی و مبارزه با آن، از اسلام‌گرایان تندرو در افغانستان حمایت نمود. در همین ارتباط «هیلاری کلینتون»، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا اشاره کرده است که القاعده را ما ایجاد کردیم؛ زیرا نمی‌خواستیم شوروی بر آسیای مرکزی مسلط شود (Bijani, 2016: 21). در اساس، رویکرد آمریکایی‌ها به بنیادگرایان کاملاً ابزاری بوده و بهره‌گیری از آن‌ها بر مبنای اصل اساسی تفوق و سلطه آمریکا انجام می‌شود. در همین ارتباط «کاسپر واینبرگر» وزیر دفاع اسبق آمریکا در توجیه حمایت آمریکا از مجاهدین افغان گفته است: ما می‌دانستیم که آن‌ها آدم‌های چندان خوبی نیستند، اما ناچار به انتخاب ایشان بودیم (Sadatinejad, 2016: 135).

۳-۲-۱. بهره‌گیری آمریکا از تروریسم علیه روسیه و چین به صورت مستقیم

نگرانی عمده روسیه از جانب گروه‌های رادیکال اسلامی، در جمهوری‌های خودمختار قفقاز شمالی می‌باشد. جمعیت مسلمانان روسیه حدود ۲۰ میلیون نفر (۱۳ الی ۱۵ درصد جمعیت کل) است (Hosseini, 2020). جریان جدایی‌طلبی چچنی‌ها در دهه ۱۹۹۰ که به ستیزه‌جویی سلفی در بیعت با القاعده در قالب «امارت اسلامی قفقاز» تغییر صورت و محتوا داده بود، با آشکار شدن گرایش شبه‌نظامیان امارت خودخوانده قفقاز به سمت داعش از نوامبر ۲۰۱۴ تحول دیگری را تجربه نمود که نقطه عطف آن در ۲۳ ژوئن ۲۰۱۵ با صدور اعلامیه سخنگوی داعش مبنی بر تشکیل «ولایت قفقاز» داعش رقم خورد. برخی آمارها نشان از آن دارند که از اوایل سال ۲۰۱۱

بین ۹۰۰ تا ۲۸۰۰ مبارز بنیادگرای اسلامی، روسیه را به مقصد سوریه ترک کرده‌اند (Omelicheva, 8: Webb, 2021: 8). که بازگشت آنها می‌تواند برای مسکو چالش آفرین باشد. داعش از آوریل ۲۰۱۶ از طریق رسانه «الحیات» با انتشار ویدیوهای تبلیغاتی به زبان روسی در صدد استفاده از ظرفیت اسلام‌گرایان افراطی در آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد (Kouzehgar kaleji, 2017: 147-158). در سوی مقابل، فعالیت گروه‌های قومی-مذهبی در قفقاز همواره عاملی جذاب برای آمریکا بوده تا سیاست مهار روسیه را به اجرا درآورد. بر اساس برخی منابع، آمریکا با همراهی القاعده نقش مهمی در بحران‌های چین ایفا کرده است (Bahman, 2021: 238). خطر گروه‌های سلفی به مناطق داخلی روسیه نیز رسیده است. در این بین برخی از مقامات سیاسی روسیه همچون «ولادیمیر ژیرینفسکی»^۱ معتقدند که سازمان‌های اطلاعاتی غرب در پشت سر فعالیت‌های سلفی‌ها در روسیه قرار دارند (IRNA News Agency 2012/10/09).

چین نیز دارای جمعیت مسلمان بوده که گاهی اوقات مسئله مسلمانان در این کشور به ویژه در منطقه سین‌کیانگ با بنیادگرایی و افراط‌گرایی پیوند خورده است. در سین‌کیانگ، اسلام‌گرایان رادیکال و تندرو به یک نیروی سیاسی تبدیل شده‌اند (Mirzaei, Javdani-Moghaddam, & Parizad, 2022: 1692-1696). گروه‌های افراط‌گرا که در قالب «حزب ترکستان اسلامی» در داخل و خارج از چین فعالیت دارند، همکاری‌های گسترده‌ای با گروه‌های القاعده، طالبان، داعش و دیگر گروه‌های تکفیری داشته‌اند و به «داعش‌های چینی» معروف هستند. مقامات چین اگرچه همواره ایغورها را به انجام حملات تروریستی متهم کرده‌اند (Khosravi, 2021: 151-153)، اما ایالات متحده معتقد است که شواهد واضح و قانع‌کننده‌ای از وجود جنبش اسلامی ترکستان شرقی در سین‌کیانگ و ارتباط میان مردم این منطقه با گروه مذکور وجود ندارد (Bureau of Counterterrorism, 2021: 59). اگرچه کنگره آمریکا در واکنش به اقدامات چین علیه مسلمانان قوانین تلافی‌جویانه‌ای تصویب کرده است مانند تصویب «قانون سیاست‌های حقوق بشر ایغور» در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۹ توسط مجلس سنا و در تاریخ ۳ دسامبر ۲۰۱۹ با عنوان «قانون ۲۰۱۹ ایغورها» و قانون دیگری که کنگره آمریکا در سال ۲۰۲۰ در حمایت از مسلمانان چین تصویب نمود (Khosravi, 2021: 159). به نظر می‌رسد با توجه به رشد رقابت میان چین و آمریکا و

۱. Vladimir Zhirinovsky

چالش‌ها و تنش‌های میان پکن و سین کیانگ، مقامات واشنگتن در گام‌های بعدی و در آینده به سمت حمایت نظامی و تسلیحاتی از گروه‌ها و جریان‌های فعال در منطقه سین کیانگ تحت عنوان حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش حرکت نمایند.

از مهم‌ترین گروه‌های رادیکال سلفی در آسیای مرکزی می‌توان به «جنبش اسلامی» ازبکستان، گروه «انصارالله» تاجیکستان، «جنبش اسلامی ترکستان»، «اتحادیه جهاد اسلامی»، «سازمان اکرامیه» و «جند خلافت» اشاره کرد که در سال‌های اخیر گروه داعش نیز به آن‌ها اضافه گردید (Jahani, Rad, Alizadeh, & Hosseini, 2021: 194-196). آسیای مرکزی یکی از مناطقی می‌باشد که بیشترین اولویت را در سیاست خارجی روسیه دارد زیرا برای مسکو، منافع مادی آن در آسیای مرکزی با هدف بزرگ دیگری یعنی حفظ تصویر خود به عنوان یک قدرت بزرگ پیوند خورده است (Clarke, 2020: 35). وجود منابع قابل توجه انرژی در منطقه استراتژیک آسیای مرکزی سبب شده تا پکن نیز توجه بیشتری به این منطقه داشته باشد. علاوه بر هم‌جواری ژئوپلیتیک و اهمیت خاص این منطقه برای چین، رهبران این کشور نگران مناطق مرزی چون سین کیانگ هستند (Sajjadpour & Pourghorban-Niaki, 2018: 87). شاید به همین جهت است که آمریکا از سال ۲۰۱۹ و انتشار سندی معطوف به ۲۰۲۵، تلاش دارد در آسیای میانه نفوذ پیدا کند و ضمن ارتقای ارزش‌های آمریکایی، تعادلی در برابر نفوذ همسایگان منطقه‌ای ایجاد نماید (United States Strategy for Central Asia, 2020: 3-6). آمریکا می‌تواند به بهانه مبارزه با تروریسم، به آسیای میانه ورود کرده و در حیط خلوت روسیه و چین به نقش‌آفرینی بپردازد. در سند امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۲۲ چنین آمده است: تهدیدات تروریستی امروزه از نظر ایدئولوژیکی متنوع‌تر و از نظر جغرافیایی پراکنده‌تر از دو دهه پیش می‌باشد بنابراین در صورت لزوم، ما از زور برای برهم زدن و تخریب گروه‌های تروریستی که در حال توطئه برای حمله به ایالات متحده، مردم ما، یا تأسیسات دیپلماتیک و نظامی ما در خارج از کشور هستند، استفاده خواهیم کرد (National Security Strategy, 2022: 30-31). اعلام آمادگی آمریکا به مبارزه با تروریسم و استفاده از ابزار نظامی علیه آن‌ها در هر منطقه، می‌تواند بسترهای لازم جهت حضور آمریکا در مناطق مختلف جهان به ویژه آسیای مرکزی را فراهم نماید و حتی با توجه به مشکلات موجود در زمینه تأثیر اقدامات متعارف آمریکا علیه چین و روسیه، آسیای میانه می‌تواند جهت راهبرد غیر

متعارف توسط آمریکا به صورت حداکثری و فعالانه (مسلح کردن گروه‌های سلفی مخالف دولت‌های روسیه و چین و راه‌اندازی نوعی جنگ نیابتی) و یا حداقلی و منفعلانه (چشم‌پوشی از تحرکات گروه‌های مذکور جهت انجام عملیات تخریبی علیه روسیه و چین) مورد استفاده قرار گیرد زیرا در حالت عادی و در طول تاریخ آسیای مرکزی به خودی خود یک اولویت امنیتی مهم و یک شریک اقتصادی درجه یک برای آمریکا نبوده است چون این منطقه کمتر از ۱ درصد تجارت جهانی ایالات متحده را تشکیل می‌دهد (Romanowski, 2017: 4-6).

برخی معتقدند خروج آمریکا از افغانستان با این انگیزه به اجرا درآمده که چین هژمون‌شدگی در منطقه را بر اساس اصل هزینه-فایده، بسیار پرهزینه یابد. در شرایطی که خروج آمریکا از افغانستان، چین را درگیر چالش‌های جدید در محیط پیرامونی کرده و از تمرکز پکن بر شرق می‌کاهد، به واشنگتن امکان محدودسازی چین در آسیا-اقیانوسیه را می‌دهد (سلیمانی پورلک، ۱۴۰۰: ۲۴۳-۲۴۱). خطر افغانستان تحت رهبری طالبان برای روسیه نیز چندان کمتر از چین نیست. خلافت قدرت ژئوپلیتیک در افغانستان پساآمریکا و تسری بی‌ثباتی‌های ناشی از آن به حوزه نفوذ طبیعی روسیه، سبب می‌شود این کشور اهداف راهبردی خود در دیگر مناطق، از سوریه گرفته تا قطب شمال را محدود ساخته و آسیای مرکزی را جدی بگیرد.

۳-۲-۲. حمایت آمریکا از تروریسم علیه روسیه و چین به صورت غیر مستقیم

فارغ از اینکه کشورهایی نظیر چین و روسیه ابرقدرت معرفی شوند یا به عنوان قدرت‌های بزرگ، در هر صورت کشورهایی که با یکی از اوصاف فوق توصیف می‌شوند، معمولاً قادر هستند که در بیش از یک منطقه عمل کنند (Buzan & Waever, 2017: 44-45). یکی از مناطق مهم جهان برای قدرت‌های بزرگ در بیش از یک قرن اخیر، غرب آسیا بوده است. غرب آسیا به چند دلیل برای روسیه دارای اهمیت می‌باشد: ۱. مجاورت فیزیکی و همسایگی روسیه از طریق ایران و ترکیه با غرب آسیا؛ ۲. برخورداری روسیه از جمعیت مسلمان که با دیگر مسلمانان منطقه در ارتباط هستند؛ ۳. منابع انرژی در غرب آسیا (Vahedpour, Diyanat, & Soheili Najafabadi, 2021: 701)؛ ۴. مکانی مناسب برای تجارت و سرمایه‌گذاری مسکو؛ و ۵. فروش تسلیحات و جنگ‌افزار به کشورهای منطقه (Koolae, Kavianifar, & Abedi, 2018: 136-138). ثبات در غرب آسیا نیز از اهداف اصلی استراتژی توسعه در چین است زیرا به حفظ امنیت منطقه به عنوان

بخش مهم و تأمین‌کننده اصلی نفت و گاز چین کمک می‌کند. علاوه بر مسئله تأمین انرژی، پیوندهای مذهبی افراط‌گرایان سین کیانگ با کشورهای منطقه، ظرفیت و جذابیت بازارهای کشورهای غرب آسیا، و سرمایه‌گذاری متقابل چین و کشورهای خاورمیانه در بخش‌های اقتصادی یکدیگر، عوامل دیگری برای توجه چین به منطقه هستند (Arghavani Pirsalami, & Mirahmadi, 2019: 149-167). چنین دیدگاهی باعث شده که برخی بر این باور باشند که منطقه غرب آسیا از جمله مهم‌ترین مناطق جغرافیایی در جهان می‌باشد که تحت تأثیر رقابت هژمونیک ایالات متحده و چین قرار دارد (Sharafkhani, Hajimineh, & Dehshiri, 2022: 87-88).

یکی از راهکارهای مدیریت کنترلی در غرب آسیا از سوی آمریکا، می‌تواند بهره‌گیری از ابزار تروریسم به ویژه از نوع تکفیری آن در این منطقه باشد همچنان که ادوارد اسنودن افشا کرد آمریکا در عملیاتی به نام «لانه زنبور» در پیدایش گروه داعش نقش داشته است (Davand, & Sam Daliri, 2022: 221). از جمله عواملی که می‌تواند به رشد تروریسم تکفیری در منطقه و به استراتژی آمریکا نیز کمک کنند عبارت‌اند از: ۱. واقع شدن مرکزیت و مهد جهان اسلام در این منطقه؛ ۲. برخی از دولت‌های واقع در غرب آسیا جزو دولت‌های ضعیف و شکننده قرار دارند؛ ۳. وجود تعارضات قومی، دینی و مذهبی در میان اکثر کشورهای منطقه؛ ۴. توانایی بالای کنشگری گروه‌های رادیکال اسلامی در غرب آسیا؛ ۵. وجود فقر و توسعه‌نیافتگی در برخی کشورهای غرب آسیا (Mirabdoli, 2019: 144-155). یکی از دلایل و متغیرهای مهم که آمریکا را به استفاده ابزاری از تروریسم در غرب آسیا ترغیب می‌کند، قرار داشتن جمهوری اسلامی ایران در این منطقه می‌باشد. به علاوه ایران با کشورهایی نظیر روسیه و چین دارای روابط و همکاری‌های مهم اقتصادی و نظامی از قراردادهای دوجانبه و چندجانبه مانند قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین گرفته تا همکاری در سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر پیمان شانگهای و گروه بریکس بوده و تلاقی این سه موضوع (اهمیت خاورمیانه برای چین و روسیه، واقع شدن ایران در خاورمیانه، و همکاری سه جانبه روسیه-چین-ایران) باعث نگاه ویژه آمریکا به غرب آسیا شده است. لذا یکی از راهبردهای ایالات متحده جهت تضعیف محور مقاومت بهره‌گیری از جنگ‌های نیابتی با استفاده از ابزار گروه‌های تروریستی و تکفیری علیه آنان می‌باشد که اوج استفاده از این راهبرد از سوی آمریکا، در خلال جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ اتفاق افتاد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با پایان جنگ سرد، آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت در عرصه نظام بین‌الملل مطرح شد اما از همان اوایل دهه ۱۹۹۰ اندیشمندان مختلف بر این موضوع تأکید داشته‌اند که برای مدت زمان زیادی ایالات متحده نمی‌تواند به عنوان تنها قطب بی‌رقیب باقی بماند و بازیگران دیگری همچون چین و روسیه قدرت آمریکا را به چالش خواهند کشید. در سمت مقابل، آمریکا تلاش خواهد کرد تا جایگاه خود در نظام بین‌الملل حفظ کرده و در صورت امکان آن را ارتقا بخشد و از ظهور قدرت‌های هژمون و قطب‌های رقیب جلوگیری به عمل آورد. در همین زمینه آمریکا می‌تواند راهبردهای متعارف مختلفی را جهت دستیابی به هدف اصلی خود در نظر گرفته و مطابق آن قدرت‌های نوظهور را تحت فشار قرار دهد از جمله متوسل شدن به اقدامات نظامی و جنگ؛ بهره‌گیری از سازوکارهای سازمان ملل و شورای امنیت؛ و در پیش گرفتن تحریم اقتصادی و جنگ تجاری. اما هر سه راهبرد با موانع و محدودیت‌هایی جهت اجرایی شدن مواجه هستند و همین امر می‌تواند آمریکایی‌ها را بر آن دارد که راهبرد دیگری در پیش گیرند. این راهبرد غیر متعارف می‌تواند بهره‌گیری از اهرم و ابزار تروریسم باشد و در قالب دو وجه سلبی و ایجابی دنبال گردد. وجه سلبی آن ناظر بر حامی تروریسم خواندن دولت‌های رقیب از سوی آمریکا می‌باشد اما بر اساس محدودیت‌های پیشین که ذکر شدند، این راهکار در مورد چین و روسیه چندان برای آمریکا راهگشا نخواهند بود و این کشور می‌تواند به سمت بهره‌گیری ایجابی و عملیاتی از تروریسم به ویژه تروریسم تکفیری حرکت کند و در سه سطح دولت‌های رقیب را تحت فشار فعالیت‌های تروریستی قرار دهد. دو سطح نخست مربوط به استفاده مستقیم از اهرم تروریسم علیه چین و روسیه می‌شود یعنی حمایت آمریکا از گروه‌های سلفی-تکفیری در داخل خاک این دو کشور با توجه به مسئله اسلام‌گرایی در سین کیانگ و قفقاز شمالی در سطح نخست و همچنین حمایت از تروریسم تکفیری در محیط پیرامونی و خارج نزدیک چین و روسیه به عنوان سطح دوم که منطقه آسیای مرکزی را شامل می‌شود. سطح سوم حمایت آمریکا از تروریسم علیه روسیه و چین به صورت غیر مستقیم می‌باشد که منظور از آن تلاش آمریکا برای چالش‌آفرینی در مناطقی است که این کشورها در آن دارای منافع مهم هستند. بهترین گزینه برای سطح سوم از سوی

آمریکا می‌تواند منطقه خاورمیانه به علت قرار داشتن جمهوری اسلامی ایران در این منطقه و همکاری آن با چین و روسیه باشد. این گونه بهره‌گیری آمریکا ابزار تروریسم در سه سطح مطرح شده، در قالب جنگ نیابتی می‌توانند آمریکا را در زمینه دستیابی به اهداف خود یاری نمایند. اهدافی مانند سرنوشتی دولتی‌های همکار چین، روسیه و ایران و در نتیجه کاهش نفوذ آنها در محیط خارج؛ کاهش قدرت ایران؛ ایجاد تهدیدات امنیتی در مرزهای چین، روسیه و ایران و سوق دادن آنها به درگیری‌های منطقه‌ای؛ تأمین امنیت رژیم صهیونیستی؛ اسلام‌هراسی و ارائه چهره‌ای خشن از اسلام؛ ایجاد درگیری‌های قومی و مذهبی بویژه میان شیعه و سنی؛ و بهانه‌سازی جهت مداخله و حضور نظامی در محیط پیرامونی رقاباتی چون چین، روسیه و ایران.

به همین جهت برخی راهکارها و پیشنهادها جهت مقابله با تروریسم تکفیری و حمایت آمریکا از آنها در ذیل ارائه می‌گردد:

۱. گسترش و ارتقای همکاری‌های اقتصادی، نظامی، اطلاعاتی و... دوجانبه و چندجانبه میان کشورهای مخالف اقدامات یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در نظام بین‌الملل مانند روسیه، چین و ایران؛
۲. تفکیک قائل شدن کشورهای نظیر چین و روسیه بین اسلام واقعی و اسلام منحرف تکفیری و پرهیز از اقدامات تحریک‌آمیز علیه مسلمانان در مناطق مسلمان‌نشین سرزمین خود؛
۳. کمک و همیاری کشورهای متضرر از فعالیت گروه‌های تکفیری به توسعه سیاسی و اقتصادی مناطق مستعد رشد تروریسم مانند آسیای مرکزی و برخی کشورهای خاورمیانه مانند سوریه و عراق؛
۴. پویاتر کردن سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند سازمان شانگهای، اکو، بریکس و موارد مشابه و نیز فعال‌سازی ظرفیت‌های مبارزه با تروریسم این سازمان‌ها در عرصه اقتصادی و نظامی؛
۵. تلاش کشورهای مخالف گروه‌های تکفیری برای برنامه‌ریزی جهت مقابله فرهنگی با این گروه‌ها به علت برخورداری از رویکرد ایدئولوژیک در کنار اقدامات نظامی؛
۶. تلاش جهت افشای همکاری‌های آمریکا با گروه‌های تروریستی جهت مشروعیت‌زدایی از تروریسم ستیزی آمریکا و فشار افکار عمومی بر این کشور در استفاده ابزاری از تروریسم.

تضاد منافع

نویسندگان تعارض منافع ندارند.

References

- Abolhassan Shirazi, Habibollah (2015). Measuring the impact of the element of competition on proxy wars between Iran and Saudi Arabia, *Journal of Political Research in the Islamic World*, Vol 5, No. 1, pp. 77-102. <http://priw.ir/article-1-172-fa.html>. (In Persian).
- Aghaei, Davood and Etesami, Soheil (2022). The 2014 Ukraine Crisis and Its Effects and Consequences for the Parties to the Crisis. *Journal of Central Eurasian Studies*, Vol 15, No 2, pp. 1-22. https://jcep.ut.ac.ir/article_90793.html. (In Persian).
- Arghavani Pirsalami, Fariborz and Mirahmadi, Saeed (2019). Explaining China's regional balancing policy in the Middle East. *Journal of World Politics*, Vol 8, No 2, pp. 139-176. https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_3685.html. (In Persian).
- Bahman, Shoaib (2021). The Flow of Salafism in the Caucasus. Qom: Zamzam Hedayat. (In Persian)
- Bijani, Mehdi (2016). Investigating the causes of terrorism in the geography of Islam. *Journal of Strategic Studies of the Islamic World*, Vol. 17, No. 2, pp. 5-46. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1164057>. (In Persian).
- Blazakis, Jason M.(2022). <https://thehill.com/opinion/national-security/3474481-biden-should-swiftly-put-russia-on-terror-list/> 05/03/22.
- Brzezinski, Zbigniew (2013). Strategic vision: American and the Crisis of Global Power. Translated by Saeed Hajinaseri and Fariduddin Hosseini Maram, Tehran: Mizan.
- Bull, Hedley (2020). The Anarchical Society. Translated by Farhang Rajaei, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Bureau of Counterterrorism(2021). Country Reports on Terrorism,U.S. Department of State.
- Buzan, Barry (2021). The United States and the Great Powers. Translated by Abdolmajid Heydari, Tehran: Strategic Studies Research Institute.
- Buzan, Barry and Waever, Ole (2017). Regions and Powers. Translated by Rahman Ghahramanpour, Tehran: Institute for Strategic Studies.
- Callahan, Patrick (2021). The Logic of American Foreign Policy. Translated by Gharayagh Zandi, Davood et al., Tehran: Institute for Strategic Studies.
- Chan, Steve(2021).Challenging the liberal order: the US hegemon as a revisionist power. *International Affairs*, 97:5, 1335–1352.
- Clarke, Michael(2020). The Neglected Eurasian Dimension of the 'Indo-Pacific'. *Security Challenges*, Vol.16, No.3, 32-38.
- Corr, Andres(2018). <https://japan-forward.com/china-not-just-sponsor-but-ringleader-of-terrorism/> July 25, 2018.
- Daheshiar, Hossein (2021). American Foreign Policy in Theory and Practice. Tehran: Mizan. (In Persian).
- Davand, Mohammad and Sam Daliri, Kazem (2022). Threats of the ISIS-Takfiri Terrorist Group in the Surrounding Area of the Islamic Republic of Iran until 1404 (Case Study: Iraq). *Journal of National Security*, Vol. 12, Issue 45, pp. 207-238. https://ns.sndu.ac.ir/article_2273.html. (In Persian)
- Esmaili, Ali (2023). China-America Competition in the Middle East in the 21st Century. Tehran: Chapakhsh. (In Persian).

- Fateh-Rad, Mehdi; Jalilvand, Mohammad Reza and Nasrollahi-Vosta, Leila (2013). An Introduction to the Foundations of Epistemology and Methodology of Futures Studies. *Journal of Futures Studies*, Vol. 2, Issue 8, pp. 27-52. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1054483>. (In Persian).
- Gharayagh-Zandi, Davood (2018). An Introduction to Futures Studies in Security Studies. Tehran: Qalam Applied Studies Research Institute. (In Persian).
- Ghasemi, Farhad (2013). Theories of International Relations. Tehran: Mizan. (In Persian).
- Ghavam, Abdol Ali (2012). Principles of Foreign Policy and International Politics. Tehran: Samt. (In Persian).
- Ghavam, Abdol Ali (2015). International Relations: Theories and Approaches. Tehran: Samt. (In Persian).
- Ghorbani, Mojgan (2020). The US-China Trade War: Its Causes and Consequences. *Journal of Strategic Studies in Public Policy*, Volume 10, Issue 35, pp. 134-154. https://sspp.iranjournals.ir/article_48006.html. (In Persian)
- Gohari Moghadam, Abuzar (2020). American Foreign Policy in the Modern Era. Tehran: Imam Sadeq University. (In Persian).
- Heywood, Andrew (2019). World Politics (Vol I). Translated by Masoud Mousavi Shafai, Tehran: Samt.
- Ho, Selina(2020). Infrastructure and Chinese power. *International Affairs*, Vol.96, Issue 6, 1461–1485.
- Hosseini, Motahareh (2020/03/21). Islam in Russia; Turkish influence among Russian Muslims. Available at: <https://madaresharghi.ir/?p=24757>. (In Persian)
- IRNA News Agency (2012/10/09). Intensification of Salafist Movement Activities, a New Challenge for the Russian Government and Muslims. Available at: <https://www.irna.ir/news/80361814>. (In Persian).
- Isoda, Vytautas(2022). Can small states wage proxy wars? A closer look at Lithuania's military aid to Ukraine. *Cooperation and Conflict*, 1-20.
- Ivanov, Zoran(2020). Changing the character of proxy warfare and its consequences for geopolitical relationships. *Security and Defence Quarterly*, Vol.31, No.4, 37-51.
- Jahani-Rad, Hojjatollah; Alizadeh, Heshmatollah and Hosseini, Zeinab (2021). Extremism in Central Asia. Tehran: AJA Information Studies and Research Center. (In Persian).
- Javadi Arjomand, Mohammad Jafar (2021). Iran's Foreign Policy and Regionalism. Tehran: Mizan. (In Persian).
- Kalantari, Fathullah and Mohammadi-Monfared, Hassan (2023). The results of the Russia-Ukraine war in the formation of a new world order. *Strategic Defense Studies*, Vol. 22, No. 92, pp. 187-210. https://sds.sndu.ac.ir/article_2373.html. (In Persian).
- Khazaei, Saeed and Hosseini-Golkar, Mustafa (2015). Essays on Futures Studies. Tehran: National Science Policy Research Center. (In Persian).
- Khosravi, Hasan (2021). Analysis of the approaches of governments that support and oppose the policies of the Chinese government towards the Muslims of Xinjiang. *Journal of Political Science*, Vol. 24, No. 94, pp. 147-167. http://psq.bou.ac.ir/article_71500.html. (In Persian).
- Kissinger, Henry (2012). China. Translated by Hossein Raasi, Tehran: Farhang Moaser.

- Koolaee, Elahe; Kavianifar, Peyman and Abedi, Afife (2018). Change and Continuity in Russia's Middle East Policy: Drives, Achievements and Challenges. *Journal of Political and International Approaches*, Vol. 10, Issue 2, 123-152. https://piaj.sbu.ac.ir/article_99747.html. (In Persian).
- Kouzehgar kaleji, Vali (2017). *South Caucasus Security Complex*. Tehran: Strategic Studies Research Institute. (In Persian).
- Kozera, Cyprian Aleksander & Gürer, Cüneyt(2020). Introduction to the Special Issue Proxy forces in modern warfare. *Security and Defence Quarterly*, Vol.31, No.4, 11-15.
- Lael Alizadeh, Mohammad (2018). *Foreign Policy of Great Powers*. Tehran: Payam Noor University. (In Persian)
- Lake, David and Morgan, Patrick (2016). *Regional Orders*. Translated by Jalal Dehghani Firouzabadi, Tehran: Institute for Strategic Studies.
- Lewis, David(2022). Contesting liberal peace: Russia's emerging model of conflict management. *International Affairs*, 98:2, 653–673.
- Mafi, Farzaneh (2011). *Research in the field of futures studies*. Tehran: Strategic Research Center. (In Persian).
- Manak, Inu; Cabanas, Gabriel and Feinberg, Natalia(2023);Available on: <https://www.cfr.org/blog/cost-trumps-trade-war-china-still-adding>.
- Mirabdoli, Mohammad (2019). *The Perspective of Salafi-Takfiri Groups in the Post-ISIS Era*. Tehran: Aryanaghsh. (In Persian).
- Mirhosseini, Mehdi (2023/05/01). The war in Ukraine and sanctions against Russia accelerated the destruction of the dollar. Available at : <https://www.ibena.ir/000cwm>. (In Persian).
- Mirzaei, Davood; Javdani-Moghaddam, Mehdi and Parizad, Reza (2022). Evaluating the Chinese government's political-security considerations towards the Muslims of Xinjiang. *Iranian Political Sociology Monthly*, Vol. 5, No. 8, pp. 1690-1706. <https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/1997907>. (In Persian).
- Moussazadeh, Reza (2011). *International Organizations*. Tehran: Mizan. (In Persian).
- Mumford, Andrew(2013). Proxy Warfare and the Future of Conflict. *The RUSI Journal*, Vol.158, No.2, 40-46.
- National Security Strategy(2022); 1-48.
- Nye, Joseph S.(2022). How not to deal with a rising China: a US perspective. *International Affairs*, 98:5, 1635-1651.
- Omelicheva, Mariya & Webb, Clayton(2021). Economic Crises and Terrorism: Analyzing Competing Economic Pressures on Terrorism in Russia. *Journal of Global Security Studies*,6:3, 1-20.
- Owen, John M.(2021). Two emerging international orders? China and the United States. *International Affairs*, 97:5, 1415–1431.
- Paul, T. V. (2019). *Restraining the Great Powers*. Translated by Hossein Taleshi Salehani and Mahmoud Javadi, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Paya, Ali; Heydari, Amirhoshang; Sedighi, Kouros; Heshmati, Hassan and Navaei, Ali Akbar (2015). *Familiarity with some experiences of futures and futures studies in the world*. Tehran: National Science Policy Research Center. (In Persian).
- Pfaff, Anthony(2017). Proxy War Ethics. *Journal of National Security Law & Policy*, vol.9, 305-353.

- RAND(2023). Proxy Warfare in Strategic Competition: State Motivations and Future Trends, Available on: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RRA307-2.html#related.
- Rasouli Sani-Abadi, Elham and Roustaei, Mojtaba (2016). A study of the confrontation between Iran and Saudi Arabia in the region based on the theory of proxy war. *Journal of Middle East Studies*, Vol. 23, No. 3, pp. 33-54. <http://noo.rs/28pEY>. (In Persian).
- Romanowski, Michal (2017). Central Asia, Russia, and China: U.S. Policy at Eurasia's Core. *German Marshall Fund of the United States*, 1-10.
- Sadatinejad, Mehdi (2016). The Role of the United States in the Formation of Extremist Currents in the Islamic World (Case Study of Al-Qaeda and ISIS). *Journal of Political Thought in Islam*, Volume 3, Issue 7, pp. 123-143. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1295883>. (In Persian).
- Sajjadpour, Mohammad Kazem and Pourghorban-Niaki, Asiyeh (2018). China and Extremism from the Central Asian Region. *Journal of Central Asia and the Caucasus*, Volume 24, No. 103, pp. 65-99. http://ca.ipisjournals.ir/article_33855.html. (In Persian).
- Samiei Esfahani, Alireza and Farahmand, Sara (2022). The Russia-Ukraine War and the Future of International Order. *Journal of Central Asian and Caucasus Studies*, Vol. 28, No. 118, pp. 87-113. http://ca.ipisjournals.ir/article_696736.html. (In Persian).
- Sazmand, Bahareh (2011). *Foreign Policy of Great Powers*. Tehran: Abrar Moaser. (In Persian).
- Sharafkhani, Majid; Hajimineh, Rahmat and Dehshiri, Mohammad Reza (2022). China's Economic Strategy in Hegemonic Competition with America in the Middle East. *Journal of Strategic Policy Research*, Volume 11, Issue 40, pp. 71-106. https://qpss.atu.ac.ir/article_14173.html. (In Persian).
- Soleimani-Pourlak, Fatima (1400). The US withdrawal from Afghanistan; Reflections on the rebalancing strategy. *Journal of Political and International Approaches*, Vol 13, No 2, pp. 233-258. https://piaj.sbu.ac.ir/article_102186.html. (In Persian).
- Stein, Janice Gross (2022). How not to think like a hegemon. *International Affairs*, 98:5, 1615-1633.
- Tasnim News Agency (2023/06/13). America's strategy of sanctions against the opposition; a fountain that is being toppled in the Ukrainian war. Available at: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1402/03/23/2909852>. (In Persian)
- Trubowitz, Peter & Harris, Peter (2019). The end of the American century? Slow erosion of the domestic sources of usable power. *International Affairs*, 95:3, 619-639.
- United States Department of State (2004). *Patterns of Global Terrorism 2003*.
- United States Strategy for Central Asia 2019-2025 (2020). <https://www.state.gov/united-states-strategy-for-central-asia-2019-2025-advancing-sovereignty-and-economic-prosperity/> Feb 5, 2020.
- Vahedpour, Nour-Aldin; Diyanat, Mohsen and Soheili Najafabadi, Soheil (2021). A study of Russia's foreign policy strategy in the geopolitical region of the Middle East in light of the spread of religious extremism in the 21st century. *Journal of*

- Geography and Regional Planning, Vol. 12, No. 1, pp. 685-722. https://www.jgeoqeshm.ir/article_141862.html. (In Persian).
- Walt, Stephen(2023). <https://foreignpolicy.com/2023/08/07/china-rise-geopolitics-great-power-scared>.
 - Waltz, Kenneth (2013). Theory of International Politics. Translated by Gholamali Chegnizadeh and Dariush Yousefi, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
 - Washington's Blog, George (2018). ISIS is us. Translated by Reza al-Tiamini and et al, Tehran: Imam Hussein University.
 - Wilkie, Christina(2022). <https://www.cnn.com/2022/04/19/us-is-taking-a-close-look-at-whether-to-label-russia-a-state-sponsor-of-terrorism-heres-what-that-means.html> Apr 19 2022.
 - Yang, Xiangfeng(2020). The great Chinese surprise: the rupture with the United States is real and is happening. International Affairs, 96:2, 419–437.
 - Yousefi-Rad, Ebrahim; Bozorgmehri, Majid; Hashemi, Abbas and Ghorbanzadeh, Ghorban-Ali (2021). The Trump Administration's Foreign Policy Strategy: Change or Continuity. Iranian Journal of International Politics, Vol. 9, No. 2, pp. 365-392. https://irlip.um.ac.ir/article_40696.html. (In Persian).

